

## **The superiority of criminal policy over abrogation and appropriation**

Payman hosseinzadeh<sup>1</sup>

Recieved:3/2/2025

Accepted:28/5/2025

### **Abstract**

The dominant in the (criminal) system of our country has so far been that in some legal regulations, one of the two rules, but in some legal materials, apparently, conflict and contradictory, including Article 135 of the Islamic Code (135). Observing the rule of criminal policy and thus imposing a unique rule in the interests of this area and in view of the existing requirements as we are crystallized as the spirit of Islamic Penal Code in 2013 and, as a result of the Reduction of Tailor Penal Code in 2010. Therefore, by briefly explaining concepts such as manuscripts and allocation, we will discuss why the criminal policy of the Criminal Politics (637 Ta'zir) and .its note will discuss

**Keywords:** manuscripts, allocation, criminal policy, corruption, prostitution

---

1- phd, Assistant Professor of Law Department of Islamic Azad University Hidaj brench

Email: 1532698941@iau.ir



## استیلاء و تفوق سیاست جنایی بر چرخه نسخ و تخصیص

پیمان حسین زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

### چکیده

غالب تا کنون این بوده که در برخی مقرره های قانونی به هنگام حدوث اسباب موجد نسخ و یا تخصیص، یکی از آن دو حاکم باشند و لیکن در بعضی از مواد قانونی به ظاهر، متزاحم و متناقض با همدیگر منجمله تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی ( مصوب ۱۳۹۲ ) و ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) و مشخصاً تبصره آن نه تنها شاهد این رسم معمول نمی باشیم بلکه نظاره گر حکمرانی سیاست جنایی و در نتیجه وضع قاعده منحصر به فردی در راستای منافع ترسیمی در این حوزه و با توجه به مقتضیات موجود آنچنانکه روح حاکم بر مواد قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و بالتبع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ هستیم. لذا با تبیین اجمالی مفاهیمی مانند نسخ و تخصیص، به چرایی حکومت سیاست جنایی در مقام تشریح ماده مرقوم (۶۳۷ تعزیرات) و تبصره آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: نسخ، تخصیص، سیاست جنایی، فساد، فحشاء، قوادی

از دیرباز و بر پایه عرف و رویه قضایی مرسوم، برخی از مقررات قانونی به صورت صریح یا ضمنی دچار نسخ شده یا مبتلا به تخصیص می گردند. در این حالات تکلیف مکلف (حسب مورد قاضی رسیدگی کننده، وکیل مدافع و یا طرفین دعوی) جهت استخراج حکم از موضوع مربوطه مبرهن بوده و ذینفع را با صعوبت چندانی مواجه نخواهد ساخت. لیکن در برخی موارد و آن چنانکه در عده ای از مواد قانون مجازات اسلامی منجمله ماده ۶۳۹ تعزیرات (مصوب سال ۱۳۷۵) نظاره گر آن هستیم در قسمتی که به ناچار، قواعد مربوط به بزه «قوادی» محل حکومت است نه تنها تخصیص بلکه نسخ نیز محلی برای جولان و خودنمایی ندارند بلکه این «سیاست جنایی» است که به اقتضای ذات و سرشت خود در مقام تبیین و تحلیل این ماده قانونی و بالأخص تبصره آن راهگشا بوده و مطمح نظر محاطب واقع خواهد شد. لذا در گزیده حاضر، ضمن بررسی اجمالی و اختصاری مفاهیمی نظیر نسخ و تخصیص، تحلیلی هر چند گذرا و ضیق پیرامون ماده ۶۳۹ تعزیرات و به ویژه تبصره آن داشته و سپس مبانی استدلالی خویش را در راستای برتری مقوله سیاست جنایی در چرخه بین نسخ و تخصیص در این خصوص به رشته تحریر در می آوریم.

#### ۱ - نسخ

«نسخ» عبارت از الغاء حکم مندرج در خطاب متقدم به وسیله حکم مخالفی است که با خطاب متأخر تشریع گردیده است. (شافعی، ۱۲۴۰ق: ۱۱۰ - ۱۰۹) در واقع آنچه موجب سلب اعتبار از یک قانون (و یا ماده قانونی) به موجب قانون (و یا ماده قانونی) متأخر محقق نسخ می شود حدوث تنافی و تعارض میان دو حکم یا مقرر قانونی است نه اراده و اعلام شارع یا مقنن. با این اوصاف نسخ در اصطلاح دانشمندان اصولی عبارت است از « برداشتن حکم شرعی سابق به وسیله دلیل شرعی دیگر پس از به اتمام رسیدن مدت آن و منتفی شدن مصلحت و ملاک در آن به گونه ای که اگر ناسخ وجود نداشت آن حکم همچنان به حال خود باقی می ماند. ( ولائی، ۱۳۹۸: ۳۲۲)

نسخ دارای مستنداتی در قرآن مجید می باشد.<sup>۱</sup> همچنین از حضرت علی (ع) نقل شده که حضرت فرمودند: « یک دینار داشتم آن را به ده درهم تبدیل کرده هر وقت تصمیم داشتم با پیامبر نجوا کنم قبلاً یک درهم صدقه می دادم. به خدا قسم غیر از من احدی از اصحاب نه قبل و نه بعد به این دستور عمل نکرده تا آیه «أشفقتم» نازل گشته و آن را نسخ کرده»<sup>۲</sup>. ( ولائی، ۱۳۹۸: ۳۲۳)

در این میان نسخ قانون، عملی است که به موجب آن قانونگذار به طور صریح یا ضمنی، اعتبار قانون را سلب می کند. به عبارتی اعتبار یک قانون یا مقرر توسط قانون یا مقرر دیگری الغاء گردیده و

۱- همانند آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه «بقره» و نیز نسخ آیه ۲۴۰ توسط آیه ۲۳۴ همان سوره در باب عده وفات.

۲- آیه ۱۲ از سوره مبارکه «مجادله».

در نتیجه تکلیف سابق مرتفع و الزامی به تبعیت از حکم منسوخ در آتی وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

## ۱ - ۱ اقسام نسخ

نسخ بر دو قسم است: « نسخ صریح » و « نسخ ضمنی »؛ نسخی که در آن ضمن ( وضع ) قانون جدید به بی اعتباری مقررات گذشته حکم می شود صریح و هنگامی که پس از انتشار قانون، مقرراتی تصویب شود که با قانون سابق قابل جمع نباشد در آن صورت چون اجرای هر دو قانون امکانپذیر نیست و به ناچار باید قانون لاحق را نسخ موازین قانونی سابق دانست ضمنی می نامند.

جدای از دو مورد فوق، فقره دیگری از نسخ را می توان متصور شد که به آن « نسخ نسبی » گویند؛ چنانچه حکم قانونی به جای اینکه کاملاً منسوخ و بی اعتبار شود از قلمرو حاکمیت آن نسبت به برخی موضوعات و افراد تحت شمول قانون کاسته می شود در نتیجه قانونی که نسخ نسبی می شود اعتبار خود را نه به گونه کامل که فقط به طور نسبی و نسبت به پاره ای موضوعات از دست می دهد.

به سبب آنکه نسخ محیا حول مقررات کیفری تنظیم یافته است نایستی از اذهان دور داشت که قوانین جزایی در مقام قیاس با قوانین مدنی به ندرت و با صعوبت نسخ می شوند چرا که ممکن است از یک سو انجام این کار ( نسخ ) منجر به ازدیاد و فزونی رفتارهای ممنوعه قانونی شود و از سوی دیگر، میزان تنفر و نگرش منفی که توسط اجتماع به چنین رفتارهایی توجه دارد کاهش یابد.<sup>۲</sup>

## ۲ - تخصیص

از آنجائیکه در حال حاضر، رایج ترین ملاک جهت شمولیت تخصیص در حقوق کیفری ایران، قواعد مربوط به « عام » و « خاص » ( اصولی ) است که بالتبع در آن به عامل اصلی « زمان » توجه می شود قبل از پرداختن به مفهوم تخصیص، تبیین مختصری از عام و خاص به عمل می آید.

## ۲ - ۱ عام و خاص

« عام »، لفظی است که دامنه شمول و فراگیری آن فراخ تر است. بالعکس « خاص »، لفظی است که صرفاً دربردارنده طیف منحصر به فرد و مضیقی از افراد معدود و محصور می باشد.

## ۲ - ۲ مفهوم تخصیص و تبیین آن

« تخصیص » یعنی اخراج حکمی از موضوع. اگر موردی از نظر موضوع داخل در مخصص ( به صیغه اسم مفعول ) و از نظر حکم، خارج از آن باشد آن را تخصیص نامند. ( ولایی، ۱۳۹۸:

۱- پر واضح است «ایطال» که اثر قهقرایی داشته توجه به ماضی دارد با نسخ متفاوت است زیرا نسخ بر گذشته اعتبار می بخشد منتهی بنا بر مصالح و مرجحاتی، گیرایی آن را نسبت به آتیه زایل می نماید.

۲- اشاره به نظریه « برچسب زنی » ( یا همان labeling theory )، تحت عنوان یکی از نظریه های مشهور در جرم شناسی.

۱۳۲) در واقع اخراج بعضی افراد از دایره اِشتمال عام و تحدید گستره فراگیری عام است.<sup>۱-۲</sup>

یکی از حالات تعارض قوانین و مقررات جزایی از لحاظ زمانی، تقدم خاص بر عام است. اگر خاص بر عام مقدم باشد نظر اقوی این است که خاص، عام را تخصیص می زند. از نظر آخوند خراسانی اگر عام بعد از وقت عمل به خاص وارد شود همانگونه که احتمال دارد که خاص، مخصص عام باشد این احتمال هم وجود دارد که عام، ناسخ آن باشد اما أظهر این است که خاص، مخصص عام است. ( خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۷ به نقل از؛ عالی پور و عسگری مروت، ۱۴۰۲: ۱۰۴)<sup>۳</sup>

## ۲ - ۳ مقایسه نسخ و تخصیص

بدیهی است یکی از روش های مقایسه توجه به وجوه افتراق و اشتراك می باشد. با این اوصاف مهمترین وجه تمایز و تفاوت نسخ و تخصیص در این است که تخصیص، خاص دربردارنده عام و بیان کننده مراد حقیقی متکلم از استعمال لفظ عام بوده و نمایانگر این موضوع است که حکم عام از ابتداء محدود بوده است. به تعبیری هر چند حکم عام به ظاهر، گسترده تر است و لیکن مضیق بوده و قلمرو خاصی را در بر نمی گیرد. اما در نسخ، دلیل نسخ کننده، حکم غالباً ثابت و معینی را که از قبل بیان گردیده الغاء نموده حکم تازه ای را جایگزین آن می نماید. فرق دیگر نسخ و تخصیص این است که نسخ آینده محور بوده و اثرش نسبت به آتیه قابل تعمیم است یعنی حکم قبلی تا به هنگام نسخ، دارای اعتبار شرعی و قانونی است و از آن زمان به بعد فاقد اعتبار می باشد در حالی که تخصیص، گذشته محور بوده و اثر آن به سبب بیان عام توجه به ماضی دارد و اینکه دلیل نسخ همیشه از حیث زمان صدور، مؤخر از منسوخ است اما امکان دارد مخصص، مقدم بر عام یا مقارن و یا حتی مؤخر از آن نیز باشد.<sup>۴</sup>

۱- هر عبارتی که دامنه عام را محدود کند «مخصص» نام دارد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: « همه انسان ها در خسران (خسارت و ضرر) هستند مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند...». (سوره مبارکه « عصر»، آیات ۲ و ۳)

۲- اصول ۳۷ و ۸۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز ماده ۹۷۶ قانون مدنی در این خصوص قابل مطالعه می باشند.

۳- ناگفته نماند بر پایه برخی اسناد تاریخی موجود، قاعده « تخصیص عام مؤخر توسط خاص مقدم، پیشتر در اصول فقه و مآلاً حقوق خصوصی مطرح بوده و مدت ها پس از آن در حقوق کیفری رواج یافته است.

۴- علاوه بر تفاوت های پیش گفته عده ای معتقدند نسخ احکام شرع تنها از طرف خود شارع و نسخ قانون فقط توسط قانونگذار و با وضع قانون جدید ممکن است. اما تخصیص امکان دارد با دلیل عقلی یا أدله دیگر واقع شود. ( قاضی و شریعتی فرانی، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۳۳۹ به نقل از؛ عالی پور و عسگری مروت، ۱۴۰۲: ۱۰۷) همچنین ناسخ و منسوخ هر دو باید شرعی باشند بر خلاف مخصص ( به صیغه اسم فاعل) و مخصص ( به صیغه اسم مفعول) که می تواند هر دو یا یکی عقلی باشد. ناسخ باید منفصل و جدای از منسوخ باشد در حالی که مخصص می تواند متصل و یا متفصل باشد.

[بالاخره] منسوخ نمی تواند متوقف به غایتی باشد بر خلاف عام. ( ولایی، ۱۳۹۸: ۲۳۵)

### ۳ - جستاری پیرامون ماده ۶۳۹ تعزیرات و تبصره آن<sup>۱</sup>

اگر چه نگارنده در پی تفسیر ماده و بیان نکات مربوط به آن در قالب محاسن و معایب موجود نمی باشد ولی جهت نیل به غرض اصلی که همان تبیین جایگاه سیاست جنایی در کنار مؤلفه های نسخ و تخصیص به هنگام جانمایی مبحث قوادی با تبصره ماده مذکور می باشد ناگزیر از ذکر مطالبی راجع به بزه دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا و تشویق مردم به فساد و فحشا و در پاره ای حالات، تداخل آن با بزه قوادی خواهد بود.

با وجود اینکه واژگان « فساد و فحشا » دو بار در ماده ۶۳۹ تعزیرات به کار رفته اند و متأسفانه مقنن بسان بسیاری جرائم از ارائه تعریفی صریح و شفاف در این زمینه شانه خالی کرده است! خوشبختانه نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۶۸۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مؤید آن است که « ... اگر چه مفهوم عام فساد شامل فحشا نیز می شود و فساد اعم از فحشا است لیکن با عنایت به استعمال واژه فساد پس از اصطلاح فحشا در صدر این ماده منظور از فساد، جرایم جنسی غیر از فحشا است ... عنوان فصل هیجدهم قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات ) مصوب ۱۳۷۵ ) جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی) که ماده ۶۳۹ ذیل آن آمده است و عطف اصطلاح « اخلاق عمومی » به واژه « عفت » در این عنوان و نیز نوع جرایم این فصل، همگی بیانگر آن است که منظور قانونگذار از « فساد » در این ماده صرفاً زنا و دیگر جرایم دارای ماهیت جنسی است. حکم مذکور در تبصره ماده ۶۳۹ دائر بر صدق عنوان « قوادی » که از جمله جرایم جنسی است مؤید این نظر است»<sup>۲</sup>.

ماده ۶۳۹ مشتمل بر چهار جرم مستقل است که در هر بند دو جرم علیحده آمده است:

بند « الف »: دایر کردن مرکز فساد یا فحشا یا اداره کردن مرکز فساد و فحشا.

بند « ب »: تشویق مردم به فساد یا فحشا یا فراهم کردن موجبات فساد و فحشا.

هر چند قانونگذار در این ماده از واژگانی نظیر « تشویق » یا « فراهم کردن » استفاده نموده ولی جرم

۱- ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵): « افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم میشوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم میگردد.

ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): « قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است... »

ماده ۴۴۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): « حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است. »

۲- به زعم برخی، واژه « فساد » در ماده ۶۳۹ دچار ابهام است اما با توجه به اینکه در ماده مزبور بین فساد و فحشا دو حرف اضافه « و » یا « فاصل شده است باید این دو عبارت را متفاوت از یکدیگر دانست. بنابراین « فساد » مفهومی جدای از فحشا دارد. در مضیق ترین نظر می توان فحشا را به معنای زنا دانست و فساد را سایر اعمال ضد عفت و اخلاق حسنه مانند لواط، مساحقه، تفخیز و نمایش و فروش و غیره مطالب مستهجن انگاشت. ( آقایی، مهدی، رسیدگی به جرایم منافی عفت با نگرشی کاربردی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ هفتم، ویراست جدید، مهر ۱۴۰۲، صص ۲۸۰ و ۲۸۱ )

موضوع این ماده جرم مستقلی است و بر خلاف سایر اقسام معاونت در حدودی همانند زنا یا لواط، موکول به تحقق جرایم به صورت تام نیست زیرا این بزه به طور خاص جرم انگاری گردیده و جرم بودن این قبیل رفتارها بر خلاف آنچه که در نظریه عاریتی یا استعاره ای در معاونت مطرح می شود و مبین به عاریت گرفتن وصف مجرمانه توسط معاون از مباشر است نیازی به تحقق نتیجه ( زنا و لواط یا سایر جرایم جنسی) ندارد.

هم راستا با موضوع تحقیق حاضر می بایست این ماده را از دو منظر مورد توجه قرار داد:

اول: عمل شخص، عنوان قوادی نداشته باشد - در این حالت طبق بند « الف»، فردی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند علاوه بر حبس از یک تا ده سال محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد.<sup>۱</sup>

دوم: عمل شخص، عنوان قوادی داشته باشد - در این صورت مطابق تبصره ماده معنونه فرد علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی هم محکوم می شود. یعنی علاوه بر مجازات حبس ( و یا بستن موقت محل) به مجازات مقرر در ماده ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی ( مصوب ۱۳۹۲) محکوم می گردد.

۴ - تبصره ماده ۱۳۵ و تبصره ماده ۶۳۹؛ جمع یا تفریق؟!

به دلالت تبصره ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات ۱۳۷۵) اگر رفتارهای چهارگانه تجزیمی در ماده مصداق « قوادی» هم باشند در آن صورت هر دو مجازات « حد» و « تعزیر» با هم تجميع گردیده<sup>۲</sup> و وفق تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی ( مصوب ۱۳۹۲) اقدام خواهد شد.<sup>۳-۴</sup>

پیش از آنکه مبانی استدلالی خویش در توجیه رجحان تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی( مصوب ۱۳۹۲) معروض گردد به این موضوع نیز باید توجه داشت که به پندار عده ای تبصره ماده ۱۳۵ از مصادیق بارز قوانین جرم زاست که نه تنها اثر بازدارندگی ندارد بلکه بالعکس، خود عاملی برای وقوع جرایم دیگر خواهد بود. جرم زا بودن این تبصره زمانی روشن می گردد که به ارتباط موجود بین آن و اصل « تناسب جرم و مجازات» دقت گردد [زیرا] یکی از اصول مهم حاکم بر حقوق کیفری، رعایت [این اصل] می باشد ... در حقیقت قانونگذار با تصویب تبصره مذکور ظاهراً هیچگونه توجهی به اثر « بازدارندگی حاشیه ای» مجازات ها نداشته است چرا که این تبصره بدین معناست که قانونگذار میان شخصی که مرتکب یک جرم مستوجب حد شده با کسی که مرتکب یک جرم مستوجب حد و چند جرم مستوجب

۱- جدای از ابهام قابل تأمل در خصوص « موقتی بودن تعطیلی محل مربوطه» با در نظر داشت ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات اخیر ماهیتاً جنبه « تأمین» دارد.

۲- « قاعده جمع مجازات ها» یعنی؛ اِعمال و اجرای هم مجازات سابق و هم مجازات جدید هردو.

۳- تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی ( مصوب ۱۳۹۲): « در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می شود و مجازات تعزیری ساقط می گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می شود».

۴- مستنبط از نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۹ مورخ ۱۴۰۰/۸/۳۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه؛ « ... تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر به تعدد جرایم حدی و تعزیری است که جرم حدی از جنس جرم تعزیری می باشد؛ اعم از این که این جرایم در یک واقعه (همزمان) ارتکاب یافته باشند یا مربوط به یک واقعه نباشد و در زمان های مختلف، فردی مرتکب دو جرم حدی و تعزیری هم جنس شود ... ».

تعزیر همجنس آن گردیده است فرقی قائل نشده است. (مصطفی پور و حبیبی تبار، ۱۳۹۸: ۴۰ - ۳۷)

علیرغم این موارد راقم سطور اعتقاد بر این دارد که در مقام تحلیل و واکاوی موضوع مواجه با دو گزینه هستیم؛ تخصیص و نسخ. بدین مضمون که قانونگذار در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ از نظریه «جمع مجازات ها» استفاده کرده است اما در سال ۱۳۹۲ با چرخشی معنا دار به دنبال این مطلب رفته که به جای جمع مجازات ها یک مجازات، بیشتر وجود نداشته باشد.

تبصره ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) به عنوان خاص مقدم در مقابل تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در قالب عام مؤخری قرار دارد که بیان می دارد اگر یک جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد (همانند سرقت و یا زنا) فقط و فقط مجازات از جنس حدی اعمال می شود به استثنای تبصره ماده ۶۳۹ و موارد دیگری که داریم. یا مثلاً قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری.

با وجود اینکه سؤال صورت گرفته و متعاقب آن پاسخ ابرازی از جانب اداره کل حقوقی قوه قضائیه منکر جریان قواعد مرتبط با نسخ در مقام قلع ماده نزاع بین تبصره های موصوف می باشد و لیکن در ادامه جهت تنویر أذهان خواننده عین متن سؤال و پاسخ مربوطه آورده می شود:

سؤال: با عنایت به تبصره ماده ۶۳۹ آیا تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ حکم ماده یادشده ذیل الذکر و بر آن ها حاکم است؟

پاسخ: با توجه به این که اعمال مقررات تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تصریح این تبصره مشروط و منوط به این است که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد و چون در فرض سوال، جرم حدی از جنس جرم تعزیری بیان شده نیست، لذا تعدد جرایم اشاره شده از شمول تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی خارج است و هر دو مجازات حدی و تعزیری اجرا می شود. (مشمول صدر ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی می باشند)؛ بنابراین تبصره اخیرالذکر نسخ ماده قانونی اشاره شده در این پرسش نیست. [ به عنوان مثال چون جرم قوادی موضوع ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی از جنس جرم تعزیری موضوع ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ یعنی (بزه دایر یا اداره کردن مرکز فساد و یا فحشا) نیست، در صورت ارتکاب این دو جرم که یکی حدی و دیگری تعزیری است به لحاظ این که از یک جنس نیستند، موضوع خارج از شمول تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی بوده و مرتکب به هر دو مجازات حدی و تعزیری مقرر در قانون محکوم می شود. ]<sup>۱</sup>

آنچنانکه در سطور پیشین و به هنگام بیان قواعد حاکم بر نسخ گذشت تبصره ماده ۶۳۹ به دو بیان، منسوخ خواهد بود؛ اگر خاص، مقدم بود و عام، مؤخر به خصوص هنگامی که فاصله زمانی نسبتاً زیادی همانند بحث حاضر که زمانی به درازای ۲۷ سال مابین خاص و عام فاصله افتاده باشد عام مؤخر، نسخ خاص مقدم خواهد بود لذا تبصره ماده ۶۳۹ منسوخ است. لیکن ضمن پذیرش اصل کلی مزبور باور بر این است که قانونگذار در سال ۱۳۹۲ سیاست خود را بر پایه



حبس زدایی و در نتیجه الغاء قاعده جمع مجازات ها بنا نهاده است لذا هر ماده و یا تبصره ای که بر خلاف این سیاست باشد محکوم به نسخ هست مانند تبصره ماده ۶۳۹ تعزیرات (۱۳۷۵).

قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به سال ۱۳۹۹ بحثی مطرح بود بدین وصف که آیا شروع به جرم هایی که در قوانین خاص پیش بینی و مقرر گردیده مطابق با قانون خاص است یا قانون عام؟ به عنوان مثال قانونگذار در ماده ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) می گفت: « شروع به قتل عمد بین شش ماه تا سه سال مجازات حبس تعزیری در پی دارد» ولی در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ( مصوب ۱۳۹۲) بیان گردیده که این مطلب، قاعده مرتبط به خودش را دارد. آن هنگام بحث های زیادی حول این مقوله شکل گرفت تا جایی که برخی اساتید حقوق جزا ( همانند دکتر میر محمد صادقی و یا دکتر برهانی) بر این باور شدند که ماده ۶۱۳ تعزیرات، خاص مقدم بوده و ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی (۹۲) عام مؤخر. بنابراین خاص مقدم، مخصص عام مؤخر می باشد. دکتر حاجی ده آبادی در کتاب جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص مرقوم داشته اند که در این قائله معتقد بر نسخ هستند نه از باب اینکه عام مؤخر، ناسخ خاص مقدم هست بلکه از این جهت که مقنن در سال ۱۳۹۲ قواعد مرتبط با شروع به جرم را ضابطه مند کرد با این توضیح که قبلاً در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) شروع به جرم مجازات نداشت ولی به طور خاص در جایی همانند تعزیرات ۷۵ شروع به مجازات را جرم انگاری کرده بود! قانونگذار در سال ۹۲ با قاعده مند کردن خاص های مقدم بر نسخ آنها صحه گذارده است مانند تبصره ماده ۶۱۳. ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری هم مهر تأییدی است بر این مدعا: «تمام شروع به جرم ها و معاونت ها خاص قبلی منسوخ می باشند»، بنابراین سیاست مقنن در سال ۹۲ دست کشیدن از قاعده جمع مجازات ها در جرایم مختلف بوده و لذا بایستی قائل به نسخ تبصره ماده ۶۳۹ تعزیرات توسط تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) باشیم.

برآمد و نتیجه

بدون تردید آنچه که فلسفه وجودی تشریع و تقنین تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) را بیش از سایر عوامل توجیه می نماید « تشدید مجازات» به سبب « تعدد جرم» است که در بادی امر با عنایت بر اصول فقهی و حقوقی حاکم بر قاعده تخصیص به نظر می رسد که تبصره ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) به عنوان خاص مقدم، مخصص تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) است ولی سیاست جنایی ( در مفهوم موسع) که دربردارنده کلیه تدابیر و اقدام های پیشگیرانه و سرکوبگرانه ای است که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می شود موجب گردیده مقررات مربوط به نسخ را در مقام دفع تراحم و تراخی موجود، ارجحیت بخشیم. البته مقوله نسخ یک تبصره توسط تبصره ای دیگر علیرغم حکومت ظاهری قواعد مربوط به تخصیص، نسبی بوده و می بایست به قدر متیقن اکتفاء نمود زیرا هنگام مواجهه با مواد قانونی به ظاهر، متعارض و متناقض با تکیه بر اصل « عدم نسخ» و قاعده مشهور فقهی « الجمع مهما امكن الاولى من الطرح»، تا سر حد امکان، عمل به تمامی قواعد حاکم در مقررات قانونی موجود، توصیه و تأکید گردیده بنابراین نمی توان حکمی از احکام مرتبط با قوانین و مواد قانونی و تبصره های آن را به بهانه نسخ، کنار نهاد.

نا گفته نماند قسم عظیم و عمده ای از تشویش ها و سردرگمی هایی که در موضوع مبحث عنه همانند برخی مواد قانونی دیگر گریبان گیر جامعه حقوقی گردیده به جهت فقدان نظام کیفری منسجم و تعجیل غیر موجه در امر قانونگذاری و تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بوده که با اقدام تأمل بر انگیز مجلس شورای اسلامی در دائمی نمودن آن به مصائب موجود افزوده گردیده که امید است با ارائه طرح ها و لوایح پیشنهادی از سوی مراجع ذیربط، شاهد اصلاح و تغییر کارشناسی مواد قانونی متعارض، متناقض، متهافت و گاهاً زائد باشیم چرا که گذشت قریب به نیم قرن از تجربه قانون نویسی با تکیه بر قواعد و موازین شرعی و فقهی، قانونگذار را به آن حد از بلوغ تقنینی رسانیده است که شاهد تولد و رشد قوانین پویا و در عین حال با صلابت باشیم.

## Extended Abstract

### introduction

Progress For a long time, on the basis of conventional judicial procedure, some legal regulations have been explicitly or implicitly abrogated or allocated. In these cases, the task (as the case may be, the judge, the defense lawyer or the parties to the lawsuit) to extract the verdict from the relevant issue is evident and will not face the beneficiary. However, in some cases, as in some of the provisions of the Islamic Penal Code, including Article 639 of the Ta'zir (adopted in 1996), we observe it in which the rules of the "provincial" crime are inevitably not only allocated but also a place for the Golan Heights, but also in the form of self-esteem and self-esteem. It is helpful and will surely be confidential. Therefore, in the present excerpt, while briefly examining concepts such as manuscripts and allocation, it has an analytical, though transient and transient analysis of Article 639 of the Ta'zir, and in particular its note, and then discusses the basis of my argument for the superiority of the criminal policy in the cycle between the manuscript and the allocation in this regard. 1 -undefined Handbook The "manuscript" is the abolition of the sentence contained in the earlier address by the opposition that has been compiled by the late address. (Shafi'i, 1240 AH: 110 - 109) In fact, what dismisses a law (or legal provision) by law (or legal) is the late researcher's resentment and conflict between the two legal orders or regulations, not the will and the law of the law or the legislature. However, the so-called principled scientists are the "removal of the former Shari'a ruling by the other reason after the completion of its

term and the elimination of expediency and criterion in such a way that if there was no obscenity, the sentence would remain. The manuscript has documentation in the Holy Quran. It is also quoted from Prophet Ali (PBUH) who said: "I had a dinar to turn it into ten dirhams. Whenever I decided to whisper with the Prophet, I had previously gave a charity. By God, except me, no one of the companions did not fulfill this order before nor later, until the verse of "my mind" was revealed and abusing it In the meantime, the manuscript of the law is an act whereas the legislator explicitly or implicitly deprives the validity of the law. In other words, the validity of a law or regulation has been abolished by another law or regulation, and as a result the former task will not exist .in the future

#### Varcissures 1-1

The manuscript is in two types: "explicit manuscripts" and "implicit manuscript"; The variety of which the new law is ruled by the past regulations is explicit, and when the law is passed after the law is enforced, the law is implemented because both laws cannot be enforced and must inevitably call the former law. Apart from the above two cases, another version of the manuscript can be inspected, which is called "relative manuscript"; If the legal ruling is reduced to some issues and individuals under the law, instead of being completely obsolete and discredited, the law that is relatively manuscript loses its credibility, not completely but only relatively and to some issues. Because the Nattar Mahia has been regulated around criminal regulations, it should not be far from the people that criminal laws compared to civil laws are rarely and overwhelmingly abrogated because on the one hand, it may lead to increased and increased legal behaviors, and on the other hand. unde-fined Behavior attention to reduced

#### .2 Specifications

Since at present, the most common criterion for the allocation of allocation in Iranian criminal law is the rules of "general" and "special" (principled) in which the main factor of "time" is taken into account before addressing the concept of allocation, a brief explanation of gen-

## General and special 1-2

General” is a word whose scope and inclusion is more wide. On the contrary, “special” is a word that only contains a unique and distinct spectrum of a few and enclosed people

## The concept of assignment and its explanation -2 2

Assignment” means expulsion of a judgment. If a case is out of the question of the subject in the specialty (in the case of the noun) and in terms of the sentence, it is called the allocation. In fact, the expulsion of some people from the circle of public and the restriction of the general learning is. - One of the cases of conflict of criminal laws and regulations is the specific primacy of the general. If specific is preceded by the general public, it is the point of allocating the general to allocate the general. For the mullahs of Khorasani, if the general public is entered after the time, as it may be that the particular specialty is a general specialist, it is likely that the general is the generalization, but the special specialty is the general specialty

## Comparison of manuscripts and assignments 2-3

Obviously, one of the ways to compare is paying attention to the aspects of Fattarak and Ashrak. However, the most important aspect of the distinction and the difference between manuscripts and allocation is that the allocation is specific to the generalist and expresses the true meaning of the speaker of the general word and represents that the general sentence was limited from the beginning. In a sense, although the general judgment is apparently wider, it is in trouble and does not encompass a particular realm. But in the manuscript, the reasoning of the manuscript often abolished a fixed and certain pre-stated sentence that replaces a new sentence. Another difference between manuscripts and allocation is that the future manuscript is centered and its effect can be generalized to the future, that is, the previous sentence has legal and legal validity until the manuscript, and since then the allocation is past-centric and its effect is due to general expression

It is important to pay attention to and that the reason for the manuscript is always obsolete in terms of the time of issuance, but the specialist may be preceded by the general or coincidence or even late

A search for Article 639 of the Ta'zir and its note 3

Although the author does not seek to interpret the material and express its points in the form of merits and disadvantages, but to attain the main purpose, which is to explain the position of criminal policy along with the components of manuscripts and the allocation of the subject matter of the subject with the aforementioned article. It will be a bond. Although the words "corruption and prostitution" have been used twice in Article 639 of the Ta'zir, and unfortunately, many of the offenses have shunned out of explicit and transparent definitions in this regard! Fortunately, Advisory Theory No. 684/1400/7 dated 12/11/1400 The Judiciary's Legal Office confirms that "... although the general concept of corruption also includes prostitution and corruption is prostitution, but the use of the word corruption after prostitution ... And public ethics) under which Article 639 is referred to and the term "public ethics" into the word "undefined Chastity "In this title, as well as the type of crimes of this chapter, all indicate that the legislator means" corruption "in this article merely adultery and other sexual crimes. The verdict in the note of Article 639 of the title of the title of the title of "sentences" .which is one of the sexual offenses confirms this view

Article 639 consists of four independent crimes, each of which is stated in each paragraph: Paragraph A: Establishing a center of corruption or prostitution or running the Center for corruption and prostitution. Paragraph B: Encouraging people to corruption or prostitution or providing corruption and prostitution. Although the legislator in this article uses words such as "encouragement" or "provision", the crime is an independent crime, and unlike other departments such as adultery or sodomy, the crime is not subject to the realization of crimes because it is specifically criminal or criminal. By the vice -president of the steward, there is no need to achieve the result (adultery and sodomy or other (sexual crimes

In line with the subject of the present research, this material should be

considered from two perspectives: First: The act of the person has no title - in this case, in accordance with paragraph (a), a person who set up or run a center of corruption or prostitution in addition to imprisonment from one to ten years of relevant location will be temporarily closed by court. Second: The act of the person has the title of the order - in this case, in accordance with the note of the meaning of the individual, the person is sentenced to the extent of the sentence in addition to the aforementioned punishment. That is, in addition to the imprisonment (or temporary closure of the place), he shall be sentenced to the punishment set forth in Article 243 of the Islamic Penal Code (adopted 1392

!Note of Article 135 and Note 639; Set or subtract 4

The implication of Article 639 of the Islamic Penal Code (Ta'zir 1996) If the four abstract behaviors are in the case of "provisions", both punishment of "limit" and "ta'zir" shall be integrated together and shall be processed in accordance with Article 135 of the Islamic Penal Code (2013). - Before its arguments justify the preference of Article 135 of the Islamic Penal Code (adopted 2013), it should also be noted that the notion of Article 135 is one of the most prominent cases of criminal laws that not only have a deterrent effect, but vice versa. The criminality of this note becomes clear when the existing relationship between it and the principle of "crime and punishment" is taken care of [because] one of the most important principles of criminal law is observance of the law ... in fact the legislator approves the law, which apparently has no attention to the effect of "deterrence". And a few masses of homosexuality have been made. undefined Not

Despite these, the line of the line believes that we are analyzing and analyzing the issue of two options; Allocation and manuscript. The theme that the legislator used the theory of "penalties" in 1991 and 1996, but in 2013, with a meaningful rotation, there was no more punishment instead of punishments. Note Article 639 of the Islamic Penal Code (Ta'zir 1375) as a specific precedent in the face of Article 135 of the Islamic Penal Code (adopted 2013) is in the general form of a prophet, which states that if a crime is a limit of a punishment (such as robbery or adultery), only and only punishable by law. Or, for ex-

ample, the intensification of punishment for perpetrators of bribery, embezzlement and fraud

Although the question has taken place and subsequently the answer by the General Directorate of the Judiciary, the process of manuscripts related to the manuscript of the conflict between the notes, but the following is a question and a relevant answer to the reader of the reader: Question: According to Article 639, Is Article 135 of the Islamic Penal Code adopted in 2013 and is the provisions of the aforementioned Article below

Answer: Given that the provisions of Article 135 of the Islamic Penal Code, 2013, the provisions of this note are subject to that the crime shall be of a punishable crime, and because the crime is not expressed by the punishment of the law, there are two Islamic offenses. (They are subject to Article 135 of the Islamic Penal Code); Therefore, the recent note of the law is not the legal article mentioned in this question. [For example, because the crime subject to Article 242 of the Islamic Penal Code is not subject to Article 639 of the Islamic Penal Code (Ta'zir), which is not the case of the corruption or prostitution center), in the event of the two crimes, one of which is one of the Islamic law and the other

In the past and when the rules governing the manuscripts, Article 639 will be obsolete; If special, it was preceded, and general, especially when a relatively long time interval, such as the present discussion, which is a time of 27 years between the specific and general general, the subsequent subtlety would be preceded, so the note of Article 639 is obsolete. However, while accepting the general principle, it is believed that the legislator has established his policy on detention and, consequently, the abolition of the sum of the penalties, so any article or note that is contrary to this policy shall be condemned to the manuscript, (such as Article 639 (1375

Before the adoption of the law on the reduction of imprisonment in 1399, there was a discussion of whether the crimes that were provided in specific laws are in accordance with the specific law or the general law. For example, the legislator in Article 613 of the Islamic Penal



Code (Ta'zir 1375) said: "The beginning of premeditated murder is between six months and three years of punishment for imprisonment" but Article 122 of the Islamic Penal Code (adopted 2013) states that this has its own rule. There was a lot of discussion around this issue until some criminal law professors (Like Dr. Mir Mohammad Sadeghi or Dr. Borhani) believed that Article 613 of the Ta'zir was special preceded and Article 122 of the Islamic Penal Code (92) of the Last. Therefore, the special specialty is the late general specialty. Dr. Haji Deh Abadi in the book of crimes against the physical integrity of those who believe in the manuscript, not because the general public is preceded, but because the legislature in 2013 regulated the rules of the beginning of the crime, but the Islamic Code It was! The legislator has endorsed by regulating their specifications in 2013, such as Article 613. The Reduction of the Penal Curriculum is also confirmed by the claim: "All the beginning of the former crimes and deputies are outdated", so the legislative policy is in the year 92. 135 Islamic Penal Code (Adopted 1392

## Conclusion

Undoubtedly, what the existential philosophy of the law and the legislation of Article 135 of the Islamic Penal Code (2013) justifies more than the other factors "intensify the punishment" due to the "multiplicity of crime", which in the wind of the jurisprudence and legal principles governing the rule of law. In the widespread sense, which contains all preventive and repressive measures and measures used by the government and civil society, separately or together, to prevent crime, fight for delinquency, reform or suppress the offender. Of course, the category of manuscripts of a note by another note, despite the apparent rule of the rules of allocation, is relative and must be sufficiently sufficient because when dealing with the apparent, contradictory, contradictory, relying on the principle of "non -exaltation" and the principle of jurisprudence. undefined Existing legal provisions have been recommended and emphasized, so one cannot withdraw a ruling on laws and .legal materials and its notes under the pretext of manuscripts

Not to say, a huge and major oath of anxiety and confusion that has plagued the legal community as some other legal materials, due to the lack of a coherent criminal system and unjustified rush to legislation



.and the passage of the Islamic Penal Code in 1392

It has been added to the existing calamities that it is hoped that by presenting the proposed designs and bills by the relevant authorities, we will see the expertise of the legal, contradictory, conflicting, and sometimes excessive legal materials, because it has passed for almost half a century of law enforcement, relying on the rules and rules of jurisprudence. Be strong

● کلام الله مجید

● آقای - مهدی، رسیدگی به جرایم منافی عفت ( با نگرشی کاربردی)، چاپ هفتم ( ویراست جدید)، ۱۴۰۲، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

● خراسانی (آخوند)، محمد کاظم، کفایه الأصول، چاپ اول، ۱۴۰۹. ق، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

● عالی پور - حسن، عسگری مروت - علی، تخصیص در حقوق کیفری؛ اصل در رویارویی با منطق، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۵۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲.

● مصطفی پور - مسعود، حبیبی تبار - محمود، تأملی بر تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲ ( با تأکید بر اصل تناسب بین جرم و مجازات)، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۳۳، سال بیست و سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸.

● ولائی - عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۸، تهران، نشر نی.

● Kalamullah Majid

● Aghaei - Mehdi, dealing with the disadvantage of chastity (with an applied attitude), Judicial Press and Publication Center, 1402, Seventh Edition (New Edition).

● Khorasani (mullahs), Muhammad Kazem, Kafayyah al -Bayt, Al -Bayt Institute of Al -Salam al -Tharath, Qom, 1409 AH, first edition ,.

● Alipour - Hassan, Asgari Marwat - Ali, allocated in criminal law; Principle in Confrontation with Logic, Journal of Criminal Law Studies and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Volume 53, No. 1, Spring and Summer 1402.

● Mustafa Pour - Massoud, Habibi Tabar - Mahmoud, Reflection on Article 135 of the Islamic Penal Code 92 (emphasizing the principle of proportionality between crime and punishment), Journal of Judgment, No. 133, Year Twenty -third, April and May 1398.

● Velayat - Jesus, Anatomical Culture of Principles, Ney Publishing, Tehran, 1398, 14th Edition